



تأليف: شيخ ابواسحاق شيرازي

**ترجمه و تحقيق
دکتر حسن سرباز**

(عضو هیأت علمی دانشگاه کردستان)





سرشناسه	: ابواسحاق شیرازی، ابراهیم بن علی، ۳۹۳-۴۷۶هـ.ق.
عنوان قراردادی	: کتاب اللّمع فی اصول الفقه. فارسی
عنوان و نام پدیدآور	: اللّمع در اصول فقه شافعی/تألیف ابواسحاق شیرازی؛ ترجمه و تحقیق حسن سرباز.
مشخصات نشر	: سندج: دانشگاه کردستان، ۱۳۹۱ش.
مشخصات ظاهری	: ۳۰۴ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۹۷-۴۷-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت: ص.ع به انگلیسی	: Abu Eshagh Shirazi. Al-Luma in Principles of Jurisprudence.
موضوع	: اصول فقه شافعی - قرن ۵هـ.ق
شناسه افزوده	: سرباز، حسن، مترجم.
شناسه افزوده	: دانشگاه کردستان.
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۱ ۲۰۴۱ ک ۹ش/۱۷۵BP/۵
رده بندی دیویی	: ۳۳۳/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۰۶۱۵۶۸



تألیف	: ابواسحاق شیرازی
ترجمه و تحقیق	: دکتر حسن سرباز
ویراستار و صفحه آرا	: دکتر عثمان یوسفی
ناشر	: دانشگاه کردستان
طرح جلد	: شاهو احمدیان
چاپ	: اول - ۱۳۹۳
شمارگان	: ۱۵۰۰
قیمت	: ۱۱۰۰۰ تومان

مرکز پخش:

سندج - سه راه ادب - مجتمع تجاری کردستان - طبقه همکف، واحد ۱۶۱ و ۱۶۲

انتشارات علمی کالج

تلفن: ۰۸۷-۳۳۲۹۱۰۸۶ ۰۸۷-۳۳۲۳۵۷۹۶ فکس: ۰۸۷-۳۳۲۳۷۲۳۷

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۱	مقدمه‌ی مترجم
۱۸	شرح احوال و آثار شیخ ابواسحاق شیرازی
۱۸	نسب و مولد
۱۸	تحصیلات و استادان
۲۰	تدریس در نظامیه‌ی بغداد
۲۲	برخی از مناقب و ویژگی‌های شیخ ابواسحاق شیرازی
۲۴	آثار شیخ ابواسحاق
۲۷	مقدمه‌ی مؤلف
۲۹	فصل اوّل: مقدمات
۳۱	۱-۱- علم و ظنّ و آنچه به آن دو مربوط است
۳۱	۱-۱-۱ حدّ
۳۱	۲-۱-۱ علم
۳۳	۳-۱-۱ ظنّ
۳۴	۴-۱-۱ نظر
۳۵	۵-۱-۱ دلیل
۳۷	۲-۱- تعریف فقه
۳۸	۳-۱- تعریف اصول فقه
۴۱	فصل دوّم: اقسام کلام
۴۳	۱-۲- اقسام لفظ
۴۴	۱-۱-۲ حقیقت و مجاز
۴۸	۲-۱-۲ طرق اخذ اسماء و لغات
۵۲	۲-۲- امر
۵۶	۱-۲-۲ مقتضای صیغه‌ی امر
۵۸	۲-۲-۲ دلالت امر بر وحدت یا تکرار

- ۶۱-۲-۲- فوریت و تراخی در امر
- ۶۴-۲-۲- اداء، اعاده و قضا
- ۶۵-۲-۲- امر به چند چیز به صورت تخییر یا ترتیب
- ۶۶-۲-۲- واجب بودن آنچه که «مأمور به» بدون آن تحقق پیدا نمی کند
- ۶۹-۲-۲- دلالت امر بر اجزاء مأمور به
- ۷۱-۲-۲- امر متوجه چه کسانی می شود؟
- ۷۵-۲-۲- بیان فرض، واجب، سنت و مندوب
- ۷۷-۲-۲- نهی
- ۷۸-۲-۳- فوریت و دوام در نهی
- ۸۰-۲-۴- عام
- ۸۰-۲-۴- الفاظ عموم
- ۸۳-۲-۴- مقتضای الفاظ عام
- ۸۵-۲-۴- آنچه صلاحیت عموم دارد
- ۸۸-۲-۵- تخصیص
- ۹۰-۲-۵-۱- مواردی که تخصیص آنها جایز است
- ۹۱-۲-۵-۲- انواع مخصّص
- ۹۲-۲-۵-۳- مخصّص های منفصل شرعی
- ۹۸-۲-۵-۴- تعارض الفاظ
- ۱۰۱-۲-۵-۵- عموم لفظ و خصوص سبب
- ۱۰۳-۲-۵-۶- مخصّص های متصل
- ۱۱۰-۲-۶- مطلق و مقید
- ۱۱۳-۲-۷- اقسام مفهوم
- ۱۱۳-۲-۷-۱- فحوی الخطاب
- ۱۱۴-۲-۷-۲- لحن الخطاب
- ۱۱۵-۲-۷-۳- دلیل الخطاب
- ۱۱۹-۲-۸- مجمل و مبین
- ۱۱۹-۲-۸-۱- مبین

۱۲۱	-----	۲-۸-۲	مجمل
۱۲۶	-----	۳-۸-۲	بیان
۱۲۷	-----	۴-۸-۲	تأخیر بیان
۱۲۸	-----	۹-۲	احکام نسخ
۱۲۸	-----	۱-۹-۲	حقیقت نسخ
۱۳۰	-----	۲-۹-۲	احکامی که نسخ آنها جایز است
۱۳۲	-----	۳-۹-۲	بیان وجوه نسخ
۱۳۵	-----	۴-۹-۲	بیان آنچه که می تواند ناسخ واقع شود
۱۳۷	-----	۵-۹-۲	روش های تشخیص ناسخ
۱۴۱	-----	۱۰-۲	حکم شریعت های قبل از اسلام
۱۴۳	-----	۱۱-۲	حروف معانی
۱۴۹	-----		فصل سوم: سنت
۱۵۱	-----	۱-۳	سنت فعلی
۱۵۵	-----	۲-۳	سنت تقریری
۱۵۷	-----	۳-۳	اخبار (سنت قولی)
۱۵۸	-----	۱-۳-۳	خبر متواتر
۱۵۹	-----	۲-۳-۳	شرایط خبر متواتر
۱۶۰	-----	۳-۳-۳	خبر آحاد
۱۶۶	-----	۴-۳	شرایط راوی
۱۶۸	-----	۵-۳	جرح و تعدیل
۱۷۳	-----	۶-۳	چگونگی روایت حدیث و مسایل مربوط به آن
۱۷۸	-----	۷-۳	آنچه که باعث مردود شدن خبر واحد می شود
۱۷۹	-----	۸-۳	تعارض اخبار
۱۸۵	-----		فصل چهارم: اجماع
۱۸۷	-----	۱-۴	تعریف اجماع و حجیت آن
۱۸۹	-----	۲-۴	مبنای حجیت اجماع

- ۱۹۰----- ۳-۴- راه‌های شناخت اجماع
- ۱۹۲----- ۴-۴- اجماع چه کسانی معتبر است
- ۱۹۷----- ۴-۵- آیا در صورت اختلاف نظر اصحاب ابداع قول سوم جایز است؟
- ۱۹۹----- ۴-۶- قول صحابی
- ۲۰۳----- فصل پنجم: قیاس
- ۲۰۵----- ۵-۱- تعریف قیاس و حجیت آن
- ۲۰۹----- ۵-۲- اقسام قیاس
- ۲۰۹----- ۵-۲-۱- قیاس العلة
- ۲۱۳----- ۵-۲-۲- قیاس الدلالة
- ۲۱۵----- ۵-۲-۳- قیاس الشبهه
- ۲۱۶----- ۵-۳- استدلال
- ۲۱۸----- ۵-۴- ارکان قیاس
- ۲۱۸----- ۵-۴-۱- بیان اصل
- ۲۲۲----- ۵-۴-۲- بیان علت حکم
- ۲۲۹----- ۵-۴-۳- بیان حکم
- ۲۳۱----- ۵-۵- مسالك العلة
- ۲۳۳----- ۵-۵-۱- دلایل اصلی
- ۲۳۷----- ۵-۵-۲- دلایل استنباطی
- ۲۳۹----- ۵-۶- قواعد و ایراداتی که موجب فساد علت می‌شوند
- ۲۴۷----- ۵-۷- تعارض و ترجیح بین دو علت
- ۲۴۹----- ۵-۸- ترجیح
- ۲۵۳----- ۵-۹- استحسان
- ۲۵۵----- ۵-۱۰- استصحاب و حکم اشیاء قبل از ورود شرع
- ۲۵۹----- ۵-۱۱- روش به‌کارگیری ادله شرعی
- ۲۶۱----- فصل ششم: تقلید و اجتهاد
- ۲۶۳----- ۶-۱- تقلید

۲۶۵	-----	۲-۶- فتوا
۲۶۹	-----	۳-۶- اجتهاد
۲۷۳	-----	۴-۶- تخریج مسأله بر دو قول
۲۷۷	-----	۵-۶- اجتهاد پیامبر ﷺ و اجتهاد در حضور ایشان
۲۷۹	-----	نمایه‌ها
۲۸۱	-----	فهرست آیات قرآنی
۲۸۷	-----	فهرست احادیث نبوی
۲۹۱	-----	فهرست نامنامه
۲۹۹	-----	فهرست کتابنامه

عند حضور ائمه هدی در عین راستا و به منظور تبیین و تفهیم مفاهیم قرآن کریم و روش استخراج و استنباط احکام فقهی بعد از درگذشت پیامبر ﷺ و تفریح نظر اصحاب و تابعین، به وجود آمد و تدوین گردید. در حدود اعلام چون پیامبر ﷺ به عنوان مبین و مفسر قرآن کریم در میان اصحاب حضور داشت و به حکم آیهی «وَإِن كُنَّا إِلَّا لِنُذَكِّرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ إِلَىٰ آثَابِ الْعَذَابِ لَأُولُونَ» هرگز نمی‌پرداخت و به سئالات اصحاب پاسخ می‌گفت. کمازی به تدوین این اصول و قواعد بعد از وفات پیامبر ﷺ هم چون اصحاب و تابعین از طرق غیر اصیل و سادگی پر خورده‌اند و با موافقت اصول آیات و دلایل و معنی زبان عربی ایشان کافی دانستند و همان‌طور که با ذوق سلیم خود، فاعل را مفعول و مفعول را منصوب و مضاف الیه را مجرور می‌خواندند، مسائل اصولی از قبیل اجناس و عام و حقیقت و مجاز و غیره را هم در می‌یافتند و از طرف دیگر سنت پیامبر ﷺ را به عنوان مبین و مفسر قرآن کریم و بدون هیچ

مقدمه‌ی مترجم

الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله . والصلوة والسلام على سيد الأنبياء وخاتم المرسلين وعلى آله وأصحابه أجمعين .

قرآن کریم، به عنوان آخرین پیام آسمانی و آخرین راهنما و راه‌گشای بشر، در طول تاریخ توجه‌ی علما و دانشمندان اسلامی را به خود جلب کرده و مثلاً تدوین علوم و فنون مختلف گردیده و به فرهنگ و تمدن اسلامی غنا بخشیده است.

علم اصول فقه هم در همین راستا و به منظور تبیین و تفهیم مفاهیم قرآن کریم و روش استخراج و استنباط احکام فقهی، بعد از درگذشت پیامبر ﷺ و انقراض عصر اصحاب و تابعین، به وجود آمد و تدوین گردید. در صدر اسلام چون پیامبر اکرم ﷺ به عنوان مبین و مفسر قرآن کریم در میان اصحاب حضور داشت و به حکم آیه‌ی ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾^۱ به تبیین و تفسیر قرآن کریم می‌پرداخت و به سؤالات اصحاب پاسخ می‌گفت، نیازی به تدوین این اصول و قواعد نبود. بعد از وفات پیامبر ﷺ هم، چون اصحاب و تابعین از ذوق عربی اصیل و سالمی برخوردار بودند و با موارد نزول آیات و دقایق و رموز زبان عربی آشنایی کافی داشتند و همان‌طور که با ذوق سلیم خود، فاعل را مرفوع و مفعول را منصوب و مضاف إليه را مجرور می‌خواندند، مسائل اصولی از قبیل خاص و عام و حقیقت و مجاز و غیره را هم درمی‌یافتند و از ظرف دیگر سنت پیامبر ﷺ را به عنوان مبین و مفسر قرآن کریم و بدون هیچ